

سپاه پاسداران، بنیان مرصوص انقلاب

روح الله عبد الهی

تشکیل:

اجرا شد و سپاه نیرویی خودکفا گشت. پس از پایان پیروزمندانه دفاع مقدس، رهبر معظم انقلاب، سپاه را به شرکت در بازسازی و سازندگی کشور و استفاده از تجربیات ۸ سال دفاع مقدس و توانمندی مهندسی خود فرمان دادند. اکنون فعالیت های عمرانی و سازندگی سپاه در فعالیت هایی همگام با آمریکا در عراق و افغانستان و جنوب لبنان مشهود است. برای مثال میتوان از ساختن بزرگترین حوزه علمیه خاور میانه یا جاده دوعارون به هرات به طول ۱۰۰ کیلومتر در افغانستان و یا بازسازی های جنوب لبنان نام برد.

سردار جوانی: امروز دشمنان ما خود اعتراف می کنند که سپاه پنجمین ارتش سایبری جهان است. وی با اشاره به فضا سازی های علیه فعالیت های اقتصادی سپاه و انتقاد از این موضوع گفت: امروز در سپاه

این افتخار را داریم که به چنان قابلیت ها و توانمندی های دانشی دست یافته ایم که به راحتی می توانیم جایگزین شرکت های بزرگ خارجی شویم به عنوان مثال با بدست گیری پروژه های بزرگ در عسلویه جایگزین توتال و شل می شویم.

و آیا این جز افتخاری برای نیرویی انقلابی است که وظیفه آن اعتلای آرمان های انقلاب است و تنها در صورت لزوم کمک به جبهه های نبرد وظیفه ی آن است که نیرو های خود را در تمام

زمینه های علمی مهندسی بدین صورت بکار گیرد که چنین پروژه های عظیمی را به ارمغان آورد.

وظایف:

طبق اساس نامه سپاه، اولین وظیفه ی این نهاد تحت فرماندهی عالی مقام رهبری، نگرانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن میباشد. ومهمترین دستاورد های این انقلاب خود انقلاب و ولایت فقیه میباشد. سپاه وظیفه دارد جنبش ها و ارگانهایی که در داخل و خارج کشور در راستای ضربه زدن به این دستاوردها تشکیل میشوند را شناسایی و حتی قبل از اقدام نابود کند. از نمونه های بارز این وظیفه بعد از جنگ مبارزه با جنگ نرمی است که نرم نرمک با انتخابات دوم خرداد شروع شد و هنوز فریاد های رهبری در آن دوران دل بسجیان را به درد می آورد که چرا هیچکس پاسخی به این فریاد ها نداد که «آقایان نهاجم فرهنگی است کاری کنید...». تا شد ناتوی فرهنگی..... یا دستاورد های عظیم فرهنگی آن زمان که یک مهاجرانی کافیت برای ملتی..... یا از لحاظ امنیتی که طرح زدن وزارت اطلاعات از درون و قتل های زنجیره ای که خود ماجرای است و در زمینه ی سیاسی که نامه مجلس به آقا - که نگذاشتیم جام زهری بشود- و یا در عرصه ی سیاست خارجی که انرژی هسته را با عباس عبدی شناختیم و.... در زمینه ی سیاست خارجی برلین را از یاد نمی بریم.

ادامه در صفحه ۴...

یکی از دستاورد های ارزشمند و مهم انقلاب اسلامی تاسیس سپاه پاسداران به فرمان امام خمینی (ره) است. وقتی امام در تاثیر و نقش سپاه فرمودند: اگر سپاه نبود کشور هم نبود، این توصیف نه از باب مبالغه، که حضرت امام از این شائبه ها مبرا بودند، بلکه با عنایت به نقشی که از اولین روزهای ولادت این نهاد مقدس در سخت ترین شرایط و روزهای بحرانی اوائل انقلاب به عهده ی سپاه قرار گرفت چون مقابله با ضد انقلاب در کردستان و بلوچستان و آزادی بانه و سرکوب ضد انقلاب گنبد نام برد. حضرت امام در دوم اردیبهشت سال ۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب تاسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً اعلان فرمودند و فعالیت پاسداران که از ابتدای



انقلاب آغاز شده بود با این فرمان در تشکیلات سپاه منسجم و هماهنگ گردید. بعد از تصویب اساس نامه توسط شورای انقلاب مجلس خبرگان بررسی نهایی در ۳۰ مهر ۵۸، با توجه بر تاکید بر نقش سپاه، بر تداوم این نقش در اصل یکصدوپنجاهم صحه گذارد و سپاه پاسداران را در قانون اساسی جایگاه ویژه بخشید. در ۲۶ شهریور ۶۴ امام خمینی فرمان تشکیل سه نیروی دریایی، هوایی و زمینی را صادر کردند و تا پایان سال ۶۹ نیروی مقاومت بسیج و نیروی قدس جهت حمایت از نهضت های اسلامی با تصویب مقام معظم رهبری (دام ظلّه) به سازمان سپاه اضافه شدند.

جنگ

در ابتدای انقلاب و جنگ که ارتش آمادگی مناسبی نداشت گروه های مردمی در قالب سپاه در مقابل عراق ایستادگی کردند و از عملیات بیت المقدس ارتش و سپاه با هم عرصه های نبرد را فتح میکردند سال ۶۳ سپاه مستقلاً عملیات هایی چون فتح المبین که به آزادی خرمشهر منجر گشت و بدر، خیبر، کربلای ۵ و ۴ و والفجر ۸ که به فتح فلو منجر شد را انجام داد. بنا به آمار ارائه شده در مدت ۸ سال دفاع مقدس رزمندگان سپاهی و بسیجی ۲۷ عملیات مشترک با ارتش و ۵۵ عملیات مستقل انجام دادند در همین مدت بود که فعالیت های خود کفایی سپاه در تولید سلاح و تاسیس قرارگاه مهندسی صورت گرفت و در این اوضاع برنامه های عظیمی چون پل بعثت (روی ارونند)



نبض - ارگان بسیج دانشجویی

پدریس دانشکده های فنی دانشگاه تهران



من بارها اعلام کرده ام با هیچ کس در هر مرتبه ای که باشد، عقد اخوت نبسته ام. چهار چوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. (صحیفه امام، جلد بیست و یک، صفحه ۳۲۶ و

(۳۲۷

شماره سی و ششم،

هفته دوم خرداد ماه ۱۳۸۹

مدیر مسئول: سید عباس مرادی

سردبیر: میثم زعفرانی

پیامک: ۰۹۱۲۷۶۳۹۲۲۴

nabz@bddf.ir

nabzbddf.parsiblog.com

www.bddf.ir

هر منوتیک خط امام

میثم زعفرانی

بعضی بعد از نظام خروج کردند) از لغت خط امام به عنوان برچسب مناسب و رسانه ای استفاده کرد. این چه رسمی است که همه خود را یار امام می خوانند اما در مبانی و دیدگاه شان نسبت به امام متفاوت و در پاره ای از اوقات در تضاد اند؟ شاید ساده ترین

پرسش به این سوال این باشد که مبانی خط امام در چیست؟ در پاسخ به این پرسش جوابی که به نظر میرسد این است که خط امام را بایستی در خود امام جستجو کرد نه چیز دیگر. از آنجایی که امام یک روحانی ذوب در اسلام بود منبع دیگر ما برای انتخاب مبانی همان



اسلام است. اسلام نه یک کلمه زیاد نه یک کلمه کم.

سوال بعدی در اینجا است که با تخلیص مباحث و از میان بردن حرمت لغات چگونه می توان در جهت تحقق جامعه مهدوی حرکت کرد که پاسخ این سوال در بازگشت به مبانی، افکار و اندیشه های امام(ره) است و در این راه حقیقت طلبانه راهی به جز اصلاح یا از میان بردن اندیشه های ضد اندیشه های امام نداریم خواه اندیشه از معاندان امام باشد یا از به اصطلاح نزدیکان امام(ره).

عده ای ریشه را تبلوری از معنا می دانند؛ از این رو همواره پی دقت در ریشه سازی، مشتق سازی از ریشه ها و در نهایت استفاده از ریشه ها هستند. اینکه کیفیت رابطه زبان و عقل بشر چگونه است بحثی قابل تفکر است که همگی متفکران، با کیفیت های متفاوت، در پی پاسخگویی به این پرسش و نهایتاً جلوگیری از ایجاد شبهه هستند. از این روست که اتمولوژی (etymology) یکی از مراحل تولید علم است و همواره فلاسفه و متفکران برای نظریه پردازی به دنبال تولید یک ریشه جامع و کامل هستند که همواره ادبیات علمی نظریه آن متفکر بنای بر آن ریشه و مشتقات آن است.

با پذیرش نقش مهم ریشه و به طور کلی کلام در نزد عقل بشری و تولید علم؛ حال بایستی در نظر داشته باشیم که همین لغات و کلام به مثابه سایر لوازم عقل بشری می تواند در جهت عکس تولید علم استفاده شود. ایجاد انحراف و مغالطه در ریشه ها و کاربرد آنها شاید نمود های تاریخی بیشتری از کاربرد صحیح ریشه ها داشته باشد. اولین استفاده مغالطه آمیز از یک ریشه در همین کلمه عقل به وجود آمد که امروز عده ای هنوز هم معنای حقیقی عقل را نمیدانند! از این تمثیل ها که بگذریم به وضوح می بینیم بیش از اینکه لغات و ریشه ها نمایانگر معنای بالذات خود باشند تبدیل به برچسب های به اصطلاح فکری شده اند.

در این بین، این رجال سیاسی بودند که با پارادایم انحصاری خویش (قدرت) این انحرافات را دامن زدند. امروزه لغات آنچنان بازیچه احزاب و رجال سیاسی دول دنیا و بخصوص رسانه ها قرار گرفته اند که حقایق بر کم تر کسی آشکار است. از نمونه های بارز این اتفاق را در جریان شناسی انقلاب اسلامی می توان یافت. لغت خط امام اولین بار توسط توده ای ها با تعاریف خاصی استفاده شد و پس از آن هر کسی انقلاب

همه ی سهم ما از یک دانشکده!

چنان که می بینیم در دانشکده ی فنی بوفه ی مستقل برای استراحت خانم ها وجود ندارد. در حالی که بوفه ای شبیه بوفه ی موجود در دانشکده ی علوم پایه هیچ مشکلی در روند پیشرفت علمی دانشکده مان ایجاد نمی کند!!! سلف دختران با آقایان تحصیلات تکمیلی و... مشترک است که طبیعتاً در ایجاد محدودیت، تفاوتی با دانشجویان کارشناسی ندارند. در حالی که دختران دانشکده ی فنی نیز، به اقتضای نوع درس ها، نیاز به تفریح و ورزش دارند، زمین های بازی تماماً پسرانه است، به علاوه ی سالن سرپوشیده ای که فعالیت محدودی دارد و آن هم در اصل متعلق به آقایان است. هیچ محلی جهت درس خواندن، ویژه ی خانم ها تدارک دیده نشده است. در مجموع، آن چه در سطح دانشکده می بینیم، تلاش برای اختلاط حداکثری است؛ چنان که این اصرار بر اختلاط در همه ی موارد، گاهی این گمان را به اذهان متبادر می سازد که شاید کسانی عامداً در جهت گسترش برخی مسائل در دانشکده گام برمی دارند! ... مسئولانی که رضایت خدا را فدای نگاه کوتاه بینانه ی خویش می کنند و بی توجه به حضور دختران و خواست های آنان، فقط سعی در پیشرفت ظاهر دانشکده دارند.

تنها مکان «دخترانه» ای که باقی می ماند، نمازخانه ی دانشکده است. نمازخانه ای که امروز به جز نماز، هم محل جمع شدن های دوستانه است، هم استراحت، هم حل کردن تکالیف، هم درس خواندن و هم بوفه! و این کارکردها را هنگام اقامه ی نماز جماعت و برنامه های پس از آن، یعنی هدف وجودی اش، هم از دست نمی دهد. نتیجه سر و صدا و شلوغی همیشگی قسمت خواهران نمازخانه ی فنی است که به کرات تذکر سخنرانان را در پی داشته است.

اخیراً مسئولین دانشگاه تهران زمزمه هایی را مبنی بر «شروع» کار فرهنگی برای گسترش عفاف» سر داده اند. ما را که امیدی به خیری از جانب ایشان نیست، اما به نظر می رسد اولین گام برای اثبات حسن نیت، نه رعایت قوانین و جداسازی کامل اماکن، که فراهم کردن امکانات برای کسانی باشد که داوطلبانه (!) می خواهند در محیطی «سالم» درس بخوانند. ساختمان جدید برق و کامپیوتر به حول و قوه ی الهی رو به تکمیل است. امید است دلسوزان در مسئله ی حجاب و عفاف مکان های مناسبی هم برای مطالعه، استراحت و تغذیه، به طور مستقل برای خانم ها در نظر بگیرند که بی شک، این امر با استقبال دانشجویان روبرو خواهد شد.

در حالی که دختران دانشکده ی فنی نیز به اقتضای نوع درس ها، نیاز به تفریح و ورزش دارند، زمین های بازی تماماً پسرانه است، به علاوه ی سالن سرپوشیده ای که فعالیت محدودی دارد و آن هم در اصل متعلق به آقایان است.

یکی از فضاهایی که در اوایل قرن هجدهم، با ورود استعمارگران تحت تاثیر قرار گرفت و در جهت اهداف استعمار تحول یافت، فضای پویای علمی و آموزشی دنیای اسلام بود، که علاوه بر غربی سازی محتوای دروس، به واسطه ی سست عنصری و سرسپردگی حکام کشورهای مسلمان از تغییر ظاهر هم در جهت آمیختگی هرچه بیشتر به غرب و ارزش های غربی، فروگذار نشد. این روند با آغاز انقلاب اسلامی تا حدی متوقف شد، اما با سرعت گرفتن حرکت چرخ های -به اصطلاح- سازندگی، سیر خود را از سر گرفت. این در حالی ست که نظام فکری و آموزشی غرب نیز، خود با ضعف و شکست مواجه شده و اجزای اصلی آن اعتبار خود را از دست داده اند. غرب نتوانسته با لالایی خودش به خواب رود و نسخه ای که برای دیگران پیچیده به کار علاج خودش هم نمی آید. بالا رفتن آمار جرم و جنایت، افزایش محرومیت های اجتماعی و روی آوردن مراکز آموزشی بعضی کشورها به

تفکیک جنسیتی، از نتایج این ناکارآمدی هستند. البته هدف از این نوشته، شرح نقایص نظام آموزشی غربی یا پیشنهاد سیستم آموزشی جایگزین نیست، بل به اختصار به یکی از نمودهای سیستم آموزشی غربی و سوغات فرهنگی مابان و غرب زدگان داخلی در دانشکده ی فنی دانشگاه تهران می پردازد. محیط پیرامونی یکی از تاثیرگذارترین عوامل بر رفتار فرد مسلمان به شمار می رود. جامعه، محیط تحصیل و زندگی باید بستری برای تعالی معنوی و گسترش فضیلت در فرد باشند، نه به عنوان مثال، کاتالیزوری برای عادی سازی و البته غربی سازی روابط. سیستمی که با این تفکر شکل گیرد که در درجه ی اول «مدرن» باشد، و نهایتاً، به اقتضای «ادعای» دانشگاه اسلامی را داشتن، یک «مسلمان» -ولو به سختی- بتواند حداقل های دینی اش را در آن پیاده کند، راه به سوی تعالی نمی برد. از سوی دیگر حیا گرایشی ست که در نهاد آدمی وجود دارد و جدا بودن جنسیتی اماکن، به جهت رهایی از بعضی قیود، راحتی و آرامش بیشتری هم برای دختران، با هر گرایشی، به همراه می آورد. به شرطی که حضور -ابتدائاً ناخواسته و اجباری- در بعضی محیط ها باعث غفلت و فراموشی این

خواست فطری نشود.

قرن خمینی*

دهه ی شصت دهه ی امام خمینی(ره) بود و از این پس دهه ها هر چه بیابید به جز او انتساب نخواهند داشت. این او بود که هر آنچه که در تقدیر تاریخ انسان این عصر بود ظاهر کرد. حیات انسان هایی چون او نفخه ای از نفخات روح الهی است که در تن انسان می دمدم، در تن زمین مرده، و آن را حیات می بخشد. امام خمینی انسانی چونان دیگران نبود؛ از قبیله ی انبیا و اصحاب آنان بود و مصداقی از مصداق معدود (نبأ عظیم).... که هر هزار سال یکی میرسد، و مراد از این (هزار) عدد هزار نیست؛ مراد آن است که او خیل یاد آور آن است و مورد خطاب «انما انت مذکر». و مخاطب این سخن آنانند که نه نامی از آنان در تاریخ های تمدن هست و نه در تاریخ های رسمی، اما زمین هر چه دارد مدیون آنهاست.

امام خمینی پیامبر تازه ای نبود، اما از یادآوران بود، از مخاطبان انما انت مذکر، که عهد فطری مردمان با خداوند را به آنان یادآوری کرد و بعد از چند قرن که از هبوط بشر در مصداق جمعی کلی می گذشت، چونان اسلاف خویش -از ابراهیم و اسماعیل تا محمد (ص)- دوره ای از جاهلیت را شکست و عصر دیگری را آغاز کرد.

زندگی بشر را بر مبنای ابزار تولید آنها عصر سنگ و آهن و مفرغ و مس و... حالا هم عصر تکنولوژی و عصر ارتباطات و عصر فضا و فلان و بهمان نامیده اند. امام خمینی پیامبر تازه ای نبود، اما از یادآوران بود، از مخاطبان انما انت مذکر، که عهد فطری مردمان با خداوند را به آنان یادآوری کرد و بعد از چند قرن که از هبوط بشر در مصداق جمعی کلی می گذشت، چونان اسلاف خویش -از ابراهیم و اسماعیل تا محمد (ص)- دوره ای از جاهلیت را شکست و عصر دیگری را آغاز کرد. این عصر تازه را باید «عصر امام خمینی» نام نهاد، چنان که حق آن بود

که اعصار پیشین را نیز به انبیا و اوصیا و یادیاران دیگر انتساب می کنند. مردمان همواره چنین کرده اند، اما تاریخ نویسان نه. زیرک ترین آنها همچون آرنورد توین بی در یکی از مفاهیمی که برای «هبوط» قابل می شود آن را «هبوط نیکان بشر از زیستگاه هایشان در بالای درختان برای زندگی در خشکی»(!) معنا میکند. حتی «توین بی» که خودش یک متفکر ظاهرآ مذهبی است، نسبت بین دین و تمدن و باطن و ظاهر وجود انسان را درنمیاید، چه برسد به آنان که اصلا براساس ماتریالیسم دیالکتیک تاریخ را معنا کرده اند. او اصلا نمی تواند خود

را از سیطره ای که داروین به طور نابخود بر تفکر او دارد رها کند و برای هبوط در همان آغاز کتاب سه معنا ذکر می کند که در چشم

ما حقیقتا ابلهانه و بسیار خنده آور است. یکی از معانی همان بود که نوشتم و بعد هبوط را از لحاظ معنوی معنا می کند. به دیگر سخن آنها زمانیکه صاحب شعور و آگاهی شدند بطور معنوی هبوط نموده اند. سومین معنای هبوط، که خودش هم آن را غیرقابل

اینان چون دیگر ابنا بشر از خاک روئیده اند، اما چون دیگران در خاک نمانده اند و سر بر آسمان برآورده اند. و فقط هم اینانند که از حقیقت باخبرند و دیگران را نیز اینان خبر کرده اند.

تاریخ حیات باطنی بشر، تاریخ انبیاست و این تواریخ دیگر که نوشته اند ظنون نگارندگان آن هاست و راهی به حقیقت ندارد. آن ها همواره ظاهر را بی نسبت با باطن دیده اند و هر که اینچنین بنگرد همه چیز را وارون خواهد دید. چرا در تاریخ های تمدن به انبیا و اوصیایشان اشاره ای نرفته است و اگر هم کسانی چون ویل دورانت به آن پرداخته اند، وجودشان را درهاله ای از ابهام نگاه داشته اند و درباره تعالیم انبیا سکوت کرده اند؟ انبیا برای بهبود زندگی اقتصادی مردمان -به زعم امروزی ها- که نیامده اند! آن ها قبل از هر چیز خود را «فرستاده خدا» می گفته اند و تعالیم خویش را «وحی» می نامیده اند. مدعی بوده اند که از جانب خدا آمده اند و خیر از آسمان دارند... و مردمان نیز می پذیرفته اند؛ و اگر نه دین و دینداری تا کنون در کره ناپود گشته بود. بعد از چند قرن که از رنساس و هبوط بشر در مصداق کلی خویش گذشته است هنوز هم آنچه در میان مردمان اعتبار دارد تاریخ میلادی است که از زمان تولد مسیح محاسبه شده است، و تاریخ هجری است که در زمان هجرت پیامبر اسلام... و مگر نه اینکه اگر وقایع دیگری برای بشر از وقایع اهمیت بیش تری داشت، آنها را مبدأ تاریخ می گرفتند؟ اما در کتاب های تاریخ تمدن اعصار

حتی برای یک بار نگفت که «من آمده ام تا ایران را به توسعه اقتصادی برسانم». او خود را در برابر «احیای حیات باطنی بشر» مکلف می دانست و می فرمود که چو تن باطن انسان حیات یابد، امور مربوط به دنیای او هم اصلاح خواهد شد و این لفظ «اصلاح» نیز با غایت تاریخ های تمدن از «اصلاح» فقط مشترکی لفظی است.

توجیه توصیف می کند، در ادامه همان معنای دوم است و واقعیت این است که یک موجود آگاه و ذیشعور می تواند شریر باشد ولی یک موجود بیشعور نمی تواند... و بالاخره حتی به ذهنش هم خطور نمی کند که شاید آنچه در کتاب های آسمانی در معنای هبوط آمده است دارای حقیقت باشد.

وجود امام خمینی و برکات آن را تنها کسانی می توانند حقیقتا درک کنند که در جست و جوی تاریخ تحول باطنی انسان بر کره زمین - که خاستگاه تحولات ظاهری اجتماعی و اقتصادی و سیاسی حیات او نه هست- به تاریخ انبیا رجوع می کنند. هم آنانند که در صف امام خمینی می گویند: «او بت شکنی دیگر تبار ابراهیم بود.» و یا برای تبیین حقیقت مبارزه ی او طاغوت به داستان موسی و فرعون در قرآن رجوع م کنند، و یا برای بیان شیوه ی مبارزه ی او در برابر دشمنان انقلاب اسلامی به واقعه ی کربلا باز می گردند. خود حتی یک بار هم نشد که برای تبیین افعال و سیاس های خویش مردم را به تاریخ های مصطلح رجوع ده حتی برای یک بار نگفت که «من آمده ام تا ایران را به توسعه اقتصادی برسانم.» او خود را در برابر «احیای حیات باطنی بشر» مکلف می دانست و می فرمود که تن باطن انسان حیات یابد، امور مربوط به دنیای او اصلاح خواهد شد و این لفظ «اصلاح» نیز با غایت تاریخ های تمدن از «اصلاح» فقط مشترکی لفظی است. مسلمانان به قدرت اقتصادی تسلیحاتی نیز دست خواهند یافت، اما این امر مسلما موکول و مسبوق یک «تحول نفسی» است که امام خمینی برای قیام کرده و به آن هم رسید.

بی رو دریاستی، همه ی تحولات تاریخی دهه شصت هجری و دهه هشتاد میلادی و دهه اول قرن پانزدهم هجری قمری معا همین علت یگانه است: قیام امام خمینی و پیروزی انقلاب اسلام. چه دیگران این حقیقت را بفهمند، چه نفهمند. و از این پس نیز تحولات تاریخی در کره ی زمین جهت تشکیل امت واحده ی اسلامی و قدرت گرفتن در مبارزه ای بزرگ و بسیار جدی است که خواه نا روی خواهد نمود.

* شهید سید مرتضی آوینی، آغازی بر یک پاییز

پیام شهید و شهیدان غیر از این نمی تواند باشد که دست از اطاعت و رهبری الهی، امام خمینی بر ندارید. امت مسلمان و آنهایی که این نامه را می خوانند شما را به خون مطهر سیدالشهدا(ع) و خون پاک شهیدان سوگند می دهم که راه شهیدان را که پشت سر امام عزیز است ادامه دهید.

باید برای انجام وظیفه تا پای جان ایستاد و به گفته امام تکلیف ما را حضرت سیدالشهدا(ع) معین کرده است و تنها طریق انجام تکلیف سراط حسین و راه کربلا بلاگونه می باشد.

شهید حسین دامغانی، دانشجوی مهندسی معدن دانشکده فنی

ادامه از صفحه اول...

اینها دستاورد هایی بود که اگر سپاه وارد عمل نمیشد و در مقابل این انحرفات اقدامی نمیکرد، جای تعجب داشت. برخی در این زمینه به توصیه امام استناد میکنند که «سپاه نباید در سیاست وارد شود». اگر سپاه در مقابل این احزاب فاسد نمی ایستاد و جلوی اقدامات برخی روزنامه ها که بر ضد دین نیز قلم فرسای می کردند را نمی گرفت اکنون از دستاورد های انقلاب تنها آزادی اش مانده بود آن هم از جنس اندیشه اش که اکنون در بعد از ماجراهای کذایی دوستان نشان دادند که آزادی اندیشه هم ندارند بلکه اندیشه های ناب امریکا را در حال گستراندن میباشند. گروهی ساده لوح نیز فعالیت های بسیج دانشجو و طلبه در موضوعات سیاسی را ورود غیر مستقیم سپاه به این عرصه میدانند که بگذار بدانند...

بودجه:

«از آنجا که بودجه سازمان های امنیتی در شمار اسناد طبقه بندی شده کشور هاست، میزان دقیق بودجه تعیین شده برای آن مشخص نیست و فقط به عبارت «میلیون ها دلار» اکتفا میشود.» بودجه ی هیچ سیستم امنیتی در دنیا معین نیست و قطعا این برای سپاه که بخشی از وظایف آن فعالیت های امنیتی است نیز صدق میکند. (برآورد رسانه های خارجی از کل بودجه ی دفاعی ایران شامل سپاه و ارتش، ۶ میلیارد دلار است که حجم ناچیز آن نسبت به کل درآمدهای ناشی از فعالیت های فنی و مهندسی در سپاه، مشهود است. نقدینگی مورد اشاره حتی نمی تواند پاسخگوی نیازهای اولیه ای چون خریدهای خارجی تجهیزات نفتی، واردات ادوات موشکی و الکترونیکی، تامین قطعات عمرانی، ماشین آلات راهسازی و ... باشد! موارد یاد شده، به حدی گسترده است که تعجب کشورهای همسایه را نیز به همراه داشته است. فعالیت سپاه پاسداران در شهرهای بزرگی چون تهران و اصفهان در ساخت پل و اتوبان ها مشهود است شبهه ای که درباره ی فعالیت های اقتصادی سپاه وارد می کنند نیز بی مورد است. برای مثال شرکت های قرب که زیر مجموعه ی قرارگاه خاتم الانبیاء میباشند از شرکت هایی خصوصی تشکیل شده و تمام فعالیت هایش را به صورت پیمانکاری انجام میدهد و برای این فعالیت ها هیچ گونه بودجه ای تعلق نمیگیرد بلکه فعالیت های اقتصادی سپاه منبع درآمدی برای سپاه می باشند. (میتوانید به گردش پولی که در احداث خط لوله ی عسلویه به سیستان است دقت کنید) توجه به این نکته ضروریست که حضور سپاه پاسداران، منجر به رشد فعالیت مهندسی در ایران شده است. توانایی گسترده ی نیروهای جوان، مستعد و باایمان و غالبا مهندس و ارزان قیمت سپاهی (با حقوق ناچیز چند صد هزار تومانی و غیر متکی به پروژه) و نیز تلاش ایشان برای گسترش مهندسی معکوس در صنایع پایین دستی و بالادستی و مخصوصا مادر (که نیاز اول در این زمینه ها جاسوسی صنعتی و حتی اطلاعاتی از شرکتهای خارجیست) امری که سیا و موصاد و ام.آی.سیکس به خوبی انجام می دهند) و اثرات قابل توجهی روی صنایع موشکی و الکترونیکی داشته است، تلاش برای تبیین راهکارهای نو و بازآفرینی مهندسی

حرف آخر

برابری، برادری، حکومت عدل علی

محمد توفقی

بیش از سی شماره از نشریه ی نض - خوب یا بد- گذشت، و آن چه مد نظر تیم نض بود یعنی عدالت علوی - شفاف یا غیر شفاف- به زبان های مختلف بیان شد. ما همگی به دنبال آرمانشهری هستیم که در آن نه حکومت بر مردم تعدی کند و نه هنجارهای ظالمانه ی جامعه و اشرافیت متکبر، افراد را استثمار کند و به استضعاف بکشاند و از این ها مهم تر، نظم ظالمانه ی جهان، جوامع و حکومت ها را به استثمار و استعمار نکشاند.

ما بر این باوریم که در برابر ظلم های بزرگ و ریشه ای باید از ظلم های کوچک گذشت؛ چه، گشودن جبهه ی بر حق مبارزه با مظالم کوچک و غیر سیستماتیک اگر باعث بی فروغ شدن جبهه ی اصلی مبارزه و شکاف بین صفوف مبارزان آن شود، خود بزرگ ترین ظلم است.

تنها راه پیروزی وحدت است، همبستگی ملی و جهانی برای عدالت، همان جبهه ی متحد مستضعفین. می توانیم از برادرانمان انتقادات تندی هم داشته باشیم، ولی تعریف کردن جبهه ی مبارزه ی داخلی و تفرق در صفوف مستضعفین گناهی نابخشودنی است. تا زمانی که ظلم سیستماتیک نظام سرمایه داری را بر مستضعفین جهان نظاره می کنیم، تا زمانی که جنگ و قتل و کشتارهای گسترده را تحت لوای دروغین لیبرال دموکراسی می بینیم و تا وقتی که افول ارزش های انسانی را در برابر رشد قارچ گونه ی منفعت طلبی لیبرال شاهدیم، چگونه می توانیم یکی از معدود اپوزیسیون های این نظام ستمگر یعنی جمهوری اسلامی را به خاطر ظلم هایی بسیار کوچک تر و غیر سیستماتیک محکوم کنیم و در برابر آن جبهه گیری کنیم؟

های مبتنی بر فناوری اطلاعات (امری که در کشورهای در حال توسعه وجود نداشته است)، سعی در اصلاح سازوکارهای دفاعی و مدیریت بحران (که نمود بارز آن در پدافند غیر عامل خود را نشان داد) و ... باعث شده است که اتکای ایران به اقتصاد درونگرا بیشتر شود و احساس غرور ملی افزایش یابد و این می تواند پله ی مناسبی برای گذار پر قدرت کشور ما به سمت ایجاد یک هویت ملیت جدید باشد. توجه داشته باشیم که حضور ابر قدرتهای اقتصادی در کشورهای غربی به دنبال ایجاد ابر قدرتهای مالی بوده است اما در کشورهایی که سزوکار هایی چون سپاه در خود دارند (مثل صنایع هووافضا در شوروی سابق، صنایع چین و ...)، این رویه معکوس و حتی به عللی ناقص بوده است. آنچه در سپاه اتفاق افتاده است، سعی در کنترل توانایی های سپاه در بخش اقتصادی بوده است و این بسیار مفید است اما گذار این امر به سمت مدیریت مالی (که هنوز اتفاق نیافتاده است) می تواند یک اتفاق خطرناک تعبیر شود (برای مثال تاسیس بانکهای بزرگ، حضور فعال در داد و ستدهای بورسی در جهان و...). سخن در باره ی عملکرد اقتصادی سپاه بسیار است اما در این مقال نمی گنجد.

ولایت:

از زمانی که این انقلاب پیروز شد تا کنون این نیرو زیر نظر مستقیم نایب عام امام زمان بوده و چه زمان امام (ره) و چه اکنون تأییدات رهبران انقلاب مؤید فعالیت های سپاه بوده و این خود بزرگترین تأیید سپاه است. امام خمینی (ره): من از سپاه راضی هستم و به هیچ وجه نظرم بر نمی گردد (نهادهای انقلابی در کلام امام صفحه ۱۷۷). نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ما به حق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود سپاه نور چشم من است. (روزنامه جمهوری اسلامی ۲/۱۰/۷۴). سپاه پاسداران رکن بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی، با اقتدا به مولای خود سید مظلومان «علیه السلام والصلوة» نجات بخش ملت ایران و اسلام عزیز از شبهای تاریک و ظلمانی ستم شاهی بوده و در پاسداری از انقلاب و هدفهای آن، عاملی مؤثر و رکنی رکین بوده هست. (نهادهای انقلابی در کلام امام صفحه ۱۱۸). از این حملات اجانب، انسان می فهمد که سپاه برای ایران و اسلام مفید است (صحیفه نور جلد ۱۵ صفحه ۱۹۹) حضرت آیه الله خامنه ای: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رکن رکین و پایه محکم دفاع از انقلاب در کشور است (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۲/۲/۶۹)

متأسفانه افرادی که دانسته یا نادانسته با حملات شدید خود به این نهاد انقلابی قصد تخریب آن را دارند نمیدانند که در حال بازی به نفع حریف هستند و برنامه ی آنان برای خراب کردن نهاد های زیر نظر رهبری مانند شورای نگهبان، صداوسیما، سپاه و غیره و را اجرا میکنند و بدانند که قصد استکبار با تخریب این نیرو تنها خراب کردن جایگاه ولایت است.

والسلام